

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

چرا نظام سیاسی در افغانستان پا نمی‌گیرد؟

مدل سازی معادله ساختاری

توسعه سیاسی

در اینجا بمتابه سرآغاز سخن، بيمورد نخواهد بود تا مطالب و موضوعاتی چند ولو با اختصار در مورد نظام بمفهوم وسیع کلمه و صنف بندی نظام‌ها بمفهوم محدود کلمه ارائه گردد. نظام‌های سیاسی برحسب معیارهای مختلفی قابل تقسیم بندی می‌باشند. ارسطو به مسأله طبقه بندی انواع و اشکال حاکمیت‌های سیاسی علاقه منحصر بفردی داشت. در این کار وی بر دو محور تکیه می‌کرد: یکی معیار شمار حکام و گروه حاکمه و دیگری هم ویژه گیهای اخلاقی نظام‌ها؛ از این حیث که در خدمت منافع خصوصی حکام و یا منافع عمومی می‌باشند. با ترکیب این دو معیار، سه نوع رژیم بدست می‌آید:

- حکومت‌های تک نفره خوب یابد، یعنی سلطنت و جباریت؛
 - حکومت‌های چند نفره خوب یا بد، یعنی ارسطوکراسی و الیگاریشی؛
 - حکومت‌های خوب و بدی که در دست شمار کثیری از مردم باشد، یعنی مردمی و دموکراسی.
- همچنین بنظر ارسطو نظام‌های سیاسی یا قوانین اساسی به حسب روش سازماندهی به سه عنصر حکومت قابل طبقه بندی بودند، سه عنصر حکومت عبارتند از: عنصر تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و خارجی، عنصر اداری و عنصر قضایی. عنصر اول و سوم معمولاً در اختیار حکام اصلی مثلاً پادشاه یا گروه حاکمه در الیگاریشی هاست، اما عنصر دوم ممکن است مبتنی بر انتقال موروثی مناصب یا انتخابی بودن آنها باشد. انتخابات بویژه در اریستوکراسی‌ها معمول بود که بیش از رژیم‌های دیگر بر فضایل مدنی و سیاسی استوار بودند. همچنان، روش‌های متنوعی نیز در دموکراسی‌ها معمول بود.
- طی سده‌های جدید، علاوه بر معیار عددی، ملاک تفکیک و رابطه قوای حکومتی با یکدیگر در تقسیم بندی رژیم‌ها مورد توجه قرار گرفت. مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵) نظریه پرداز فرانسوی در کتاب "روح القوانين" خود چنین استدلال کرد که طبقه بندی قدیمی رژیم‌های سیاسی به سلطنت، اریستوکراسی و دموکراسی رسا نیست، بلکه باید رژیم‌ها را به سلطنتی، استبدادی و جمهوری (چه دموکراسی و چه اریستوکراسی) طبقه بندی کرد.

به اعتقاد هابز، حاکمیت یا اقتدار ناشی از اعطای اختیار از سوی کسانی است که حاکمیت بر آنان اعمال می‌گردد و مشتمل است بر قدرت وضع قوانین موجد صلح، امنیت و دفاع از جامعه. اقتدار پیوند تنگاتنگی با تعهد و الزام اتباع و شهروندان مبتنی بر وفق دادن رفتار خود با روح قانون دارد. بنابراین اقتدار بمنزله

ابزاری است برای اتخاذ تصمیمات الزام آورده خصوص هر مسأله ای که اختلاف نظر و مشاجرات گسترده و بی پایان بر سر آن، صلح و امنیت جامعه را به مخاطره خواهد افکند.

در پیوند با اوضاع در کشور عزیز ما افغانستان باید متذکر گردید که معضله کنونی نه تنها برای میهن و هم میهنان ما، بلکه حتی برای منطقه نیز به نقطه دردی مبدل گردیده است. درس ها و تجارب کشور را نباید مجزا و بصورت مجرد مورد بررسی و مطالعه قرار داد، نحوه و چگونگی آموزش مسایل و موارد موجود را باید فرا گرفته، عوامل، انگیزه ها، فاکتور ها، فاکت ها و ۰۰۰ را نیز باید در این بررسی دخیل ساخت.

در اوضاع و احوال کنونی، نحوه سیر حوادث و چگونگی مسایل مربوط به افغانستان و همچنان مسأله دفاع از حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشور نیز بصورت یک کل با امر مبارزه علیه تروریسم ارتباط دارد. مطابق بررسی ها و مطالعات دست اندرکاران امور منطقی، افغانستان به گونه مستقیم و بصورت ناگزیر در منطقه، متأثر از تغییرات و تحولات و اصول و ضابطه های موجود در کشورهای مانند چین، پاکستان، هند، ایران، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان بوده و در عرصه وسیع تر، ایالات متحده و دول کشورهای عضو ناتو (درگیر در حوادث کشور)، نیز به این گروه اضافه می گردند.

اهمیت افغانستان برای سیستم امنیت بین المللی در این امر نهفته می باشد که در طول چندین دهه، شرایط و وضعیت در کشور، متأسفانه به منبع تهدید و چالش چه برای منطقه و چه برای جهان و جهانیان مبدل گردیده است. جنگ ها و برخوردهای مسلحانه و درگیری های بلاوقفه و در نهایت، اقدامات مسلحانه و نظامی ایالات متحده و ناتو سبب ساز تخریب مجموعه زیر ساخت های اقتصادی گردیده، فقر گسترده و محرومیت مردم کشور را به بار آورده و شرایط را برای بحران های دوامدار اجتماعی- اقتصادی، بیش از پیش مساعد ساخت. اقدامات فوق، قبل از همه شرایط ظهور تندروی و بنیادگرایی مذهبی در کشور را نیز مساعد و مهیا نمود.

کشور عزیز ما افغانستان در منطقه جنوب غربی آسیای مرکزی و شرق میانه موقعیت داشته و به بحر راه ندارد. کوتاه ترین فاصله با بحر عرب ۵۰۰ کیلومتر می باشد. مساحت ارضی کشور ما به ۶۵۲،۲۲۵ کیلومتر مربع تخمین می گردد. طول مرزهای دولتی به ۵۸۰۰ کیلومتر اندازه گردیده است. متذکر باید گردید که کشورهای همجوار افغانستان، بصورت یک کل، از رهگذر نظامی و حربی کشورهای عمده و نیرومندی بشمار می آیند. میهن عزیز ما از نقطه نظر ژئوپولیتیک با کشورهای چون چین، پاکستان، هند، ایران و همچنان از شمال با کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان که از رهگذر اقتصادی کشور های پیشرفته ای محسوب می گردند، هم مرز می باشد، بطور مثال ترکمنستان، ازبکستان و ایران از ذخایر جهانی مواد خام ستراتیژیک مانند گاز، نفت و اورانیوم برخوردار می باشند و چین هم در بخشی از شاخص ها از ایالات متحده و کشورهای پیشرفته اروپایی سبقت جسته است. بنأء، اهمیت موقعیت ژئوپولیتیکی و نظامی- سیاسی کشور ما چنین خلاصه می گردد:

- مجاورت با کشورهای آسیای میانه؛

- موقعیت جغرافیایی افغانستان در همجواری با کشورهای پر جمعیت جهان که دارای رژیم های مختلف اجتماعی- سیاسی می باشند، مانند چین، هند، پاکستان و ایران؛

- نزدیکی به منابع مواد خام ستراتیژیک از قبیل نفت، گاز و اورانیوم در کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و ایران که از اهمیت جهانی برخوردار می باشند. اینهمه، بخودی خود، سبب ساز جلب توجه به کشورهای متذکره شده و علاقمندی قدرت های مطرح جهان را به منطقه متذکره و همراه با آن به افغانستان باعث گردید. همچنان، با استفاده از راه های موجود در افغانستان، کوتاه ترین ارتباط زمینی از هند به پاکستان، ایران و کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و همچنان با روسیه) تأمین می گردد.

در اوضاع و احوال کنونی می توان مسایل و موضوعات مربوط به کشور عزیز را چنین برشمرد:
- تشدید مبارزه سیاسی در منطقه و جلب توجه بخشی از قوت های جهانی و قدرت های منطقوی خاور میانه، این اولاً؛

- منافع ملی روسیه و منافع کشورهای همسو، این ثانیاً؛
- حضور قوت های نظامی ایالات متحده و سایر کشورهای عضو ناتو که به دنبال عادی شدن اوضاع در کشور بمنظور تأمین منافع ژئوپولیتیک خویش می باشند، این ثالثاً؛
و در نهایت امر متذکر باید گردید که متأسفانه تمامی اراضی سرزمین کشور ما بمثابه دهلیز انتقال مواد مخدر به منطقه محسوب می گردد. در وضعیت کنونی، تجارت مواد مخدر به یکی از جمله منابع عایداتی غرض تداوم فعالیت های تخریبکارانه مخالفان مسلح کشور، مبدل گردیده است، تجارت یاد شده و انتقال مواد مخدر به بیشتر از یکصد کشور جهان صورت می گیرد.

این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که از نقطه نظر منافع ژئوپولیتیک در منطقه، افغانستان از اهمیت قابل توجه و منحصر بفردی در عرصه تأمین ثبات و امنیت در مجموعه منطقوی خاور میانه و آسیای مرکزی برخوردار می باشد. نباید فراموش نمود که در وضعیت امنیتی و اوضاع کشور ما در مجموع و بصورت یک کل، اعمال نفوذ عوامل خارجی بمنظور دستیابی به منافع ژئوپولیتیک کشورهای عمده و اساسی و حصول مصالح کشورهای خاور میانه و آسیای مرکزی نیز مطرح بحث می باشد.

در عصر کنونی، با مبارزه بمنظور نفوذ و اثربخشی در آسیای مرکزی، منافع بسیاری از دول و کشورهای باهم در تضاد و رقابت قرار می گیرد، اما با توجه به منافع و مصالح ایالات متحده، چین و بازیگران مهم منطقوی مانند پاکستان و ایران و بررسی ماهیت و کنه اعمال آنها و به دلیل خصوصیات و مشخصات موجود و با توجه به این واقعیت که کشورهای متذکره بصورت طبیعی و از نقطه نظر جغرافیایی هم مرز محسوب می گردند، با استفاده و کاربرد روش های معین و موجود، منافع و مصالح کشورهای یاد شده نیز تبلور می یابد که این بنوبه خود با منافع و مصالح جهانی (بخصوص با منافع ایالات متحده) ارتباط مستقیم دارد.

بصورت قطع، وضعیت فعلی در کشور عزیز ما با تأثیر گذاری بازیگران منطقوی و اما با کارگردانی ایالات متحده شکل گرفت، شمایل این شکل گیری مدت ها قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در سر باز خانه های پنتاگون و اطاق های تصمیم گیری های سری سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) مهندسی گردیده بود. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده، سبب ساز موقعیت کاملاً جدید ژئوپولیتیکی در منطقه آسیای مرکزی گردید. مبارزه با "القاعده" و "طالب" ها در افغانستان به ایالات متحده این امکان را فراهم نمود تا با بکارگیری و استفاده ابرازی از امر "مبارزه علیه تروریسم" بمثابه تکنالوژی کنترل ژئوپولیتیکی فضای منطقه، در کوتاه ترین زمان ممکن به تحکیم مواضع نظامی- سیاسی اش در منطقه وسیعی از خاور میانه و آسیای مرکزی مبادرت ورزد.

درجایی که منافع امریکایی ها در افغانستان بر عملکرد و تأثیر گذاری بازیگران منطقوی قرار داشته باشد، ضرورت توسعه برنامه های گسترده بمنظور دستیابی به منابع و ذخایر سرشار نفت آسیای مرکزی برای کشور متذکره در دستور روز قرار می گیرد تا همراه با تضمین دسترسی به منابع متذکره بتواند در صورت چرخش حوادث در روسیه، امکانات تقابل و رویارویی هایی را قبل از همه با کشور چین فراهم نماید.

نباید فراموش نمود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، نفوذ نظامی- سیاسی ایالات متحده در افغانستان، برای امریکایی ها این امکان را فراهم نمود تا در جهت تغییر حیات سیاسی- اجتماعی کشور ما سعی ورزیده و همزمان با آن به اقداماتی متوسل گردند تا کشور ما را از متن آسیای مرکزی و در مجموع از سیستم اورو- آسیا حذف نموده تا در چنین وضعیتی از ثبات سیاسی و دستیابی به موفقیت در عرصه اجتماعی- اقتصادی کشور اصلاً سخن و حدیثی مطرح بحث قرار نگیرد، بنأء، از استفاده و به کارگیری منابع موجود

بمنظور رشد و بهتر شدن حیات اجتماعی- اقتصادی و همچنان از توسعه منابع متذکره در کشور ما جداً جلوگیری و ممانعت بعمل آمد.

ایالات متحده در اراضی قرغیزستان و ازبکستان موفق به ایجاد پایگاه های نظامی گردیده و بمثابة نقطه ستراتیژیک در افغانستان نیز برایش جای پا تهیه دید، امریکایی ها بنوبه خود با اثرگذاری منفی و ناگواری بر فرایندهای اجتماعی و سیاسی، پروسه حفظ صلح و ثبات در منطقه را با خطرات غیرقابل پیشبینی مواجه نمودند. اما نباید این واقعیت را از نظر دورنگهداشت که علاوه برمسایل و مواردی که از اهمیت آنها تذکر بعمل آمد و قبل از سایر مسایل، افغانستان بمنظور تطبیق و اجرای امور و موارد نظامی - ستراتیژیک ایالات متحده، به دلایل ذیل نقطه مهم و محل با اهمیتی پنداشته می شود:

در گام نخست، کشور ما با هند و ایران هم مرز بوده، با کشورهای آسیای میانه نیز مرز های مشترک دارد که بمثابة مناطق منافع ستراتیژیک ایالات متحده اعلام گردیده است؛

ثانیاً، با تحکیم جای پای امریکایی ها در کشورهای متذکره، ایالات متحده بصورت غیرمستقیم از تماس با چین بمثابة عمده ترین و بزرگترین حریفش، برخوردار می گردد.

ایالات متحده طی نیمه دوم سده بیستم در صدد آن شد تا از طریق پکت بغداد(سنتو) کنترل و تسلطش را بر منطقه متذکره تأمین نماید. در اوضاع و احوال کنونی، ایالات متحده پس از خروج سربازانش از کشور ما در صدد آن شد تا امکانات ایجاد پایگاه های پشتیبانی را در دستور روز قرار داده و پس از تلاش های فراوانی در زمینه، با حاکمیت کنونی افغانستان در مورد ایجاد و برپایی چنین پایگاه های نظامی در کابل، مزار شریف، هرات، کندهار و چندین منطقه حساس و ستراتیژیک کشور به توافق رسیده و به تطبیق عملی و اجرای مأمول فوق به اقدامات سریعی متوسل گردیدند.

اردوی ایالات متحده تحت نام " مبارزه علیه تروریسم " و ارائه کمک و مساعدت به قوای مسلح کشور ما به اراضی افغانستان سرازیر گردیدند، اما حالا با اقدامات و حرکات هویدا چنین بنظر می رسد که با ایجاد و تحکیم پایگاه های نظامی شان، بصورت پایدار در اراضی کشور ما ماندگار شدند. در حال حاضر، این مسأله بوضوح به مشاهده می رسد که تدارکاتی در واشنگتن بخاطر تنظیم امور بمنظور تأمین نفوذ قوی و پایدار ایالات متحده در خاور میانه و در نتیجه بمنظور جلوگیری از نفوذ روسیه در محور کشورهای همسو در آسیای مرکزی در حال اجرا می باشد. علاوه بر آن، نفوذ نظامی- سیاسی ایالات متحده در خاور میانه و افغانستان، بطور مشخص قادر به حل و فصل سلسله وظایف مهم ستراتیژیک ذیل می گردد:

- دسترسی به منابع انرژی ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان و انتقال آن از طریق اراضی افغانستان و پاکستان؛

- اجرای امور و وظایف نظارتی در مجاورت ایران؛

- ایجاد و برقراری تماس های مستقیم با سرحدات چین- کشوری که بصورت یک کل بمثابة رقیب و حریف ایالات متحده در شرق محسوب می گردد؛

- دستیابی به امکانات بیشتر بمنظور مهندسی و اجرای درگیری ها از اراضی کشور ما، چه در هیچ کشور شرق میانه و آسیای مرکزی، شرایط متذکره برای آنها میسر نمی گردد؛

- ایجاد حلقه ای از پایگاه های نظامی در اطراف فدراسیون روسیه، با وجود همه اطمینان های سیاسی ارائه شده از جانب رهبری ایالات متحده.

ایالات متحده در صدد نمایش منافعش در افغانستان و چین می باشد.

اما باید متذکر گردید که در اوضاع و احوال کنونی، افغانستان برای جمهوری مردم چین نیز از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار بوده و در پی تبلور منافعش در کشور ما تلاش می ورزد. موضوعی که بیش از همه برای چین حایز اهمیت می باشد، از جمله یکی هم مسأله و موضوع امنیت در منطقه غربی آن کشور است، همچنان افغانستان بمثابة دهلیز مهمی برای چین بمنظور دفاع از منافعش در پاکستان (بمثابة متحد سنتی چین در امر رقابت با هند) و بمنظور دسترسی به منابع مهم طبیعی منطقه محسوب می گردد. علاوه

برآن، جمهوری مردم چین از اوضاع امنیتی و تحرکات در ایالت سینکیانگ آن کشور که اکثریت باشندگان آنرا ایغورها تشکیل داده، پیرو دین اسلام بوده و همچنان با افغانستان نیز مرز مشترک دارد، شدیداً نگران می باشد.

چین از مدت زمان نسبتاً طولانی بدینسو تأکید می ورزد که بزرگترین معضله در اوضاع کنونی منطقه را مسأله استقرار صلح و امنیت در افغانستان تشکیل می دهد و همه متیقن اند که مسأله متذکره بصورت مستقیم و غیرمستقیم با جنگ پنهانی هند و پاکستان ارتباط دارد، بنابراین صلح در کشمیر بمثابة کلید صلح در کشور جنگ زده ما محسوب می گردد. دفاع از منافع چین در افغانستان، بخصوص پس از برگشت قوای نظامی ایالات متحده، بمثابة مشکل ترین و درعین زمان بغرنجترین رسالت دیپلمات های چینیایی شمرده می شود. رقابت در افغانستان برای جمهوری مردم چین، احتمالاً ترکیبی متعادل با بازی شطرنج محسوب می گردد.

لازم به تذکر می باشد که رهبری نظامی - سیاسی پاکستان همیشه و بصورت دوامدار در صدد تحکیم موضعش به تصور اینکه گویا بمثابة عامل و فاکتور عمده در قضایای منطقه پذیرفته شده است، می باشد، نظامیان پاکستانی در پی تلاش بمنظور تثبیت نقش رهبری کشور شان در آسیای مرکزی و جنوبی بوده و بخصوص طی سال های ۹۰ سده ۲۰، با سعی و تلاش در آمادگی بمنظور تشکیل و سازماندهی "طالب"ها و بمنظور شرکت فعال در امر فوق درصدد آن بودند تا با ایجاد گروه متذکره در حل و فصل قضایای افغانستان از فاکتور "طالب"ها استفاده ابزاری بعمل آورند. جنبش "طالب"ها در نوع خود، ترکیب سیاسی مشکل و پیچیده ای محسوب گردیده که عمدتاً در جهت ضد منافع هند، ایران، کشورهای آسیای مرکزی و روسیه کارگردانی می گردد. بنا براین، بطورمثال، از اشغال قدرت توسط "طالب"ها الی خروج آنها در پایان سالهای ۹۰ سده ۲۰ و در آغاز سال ۲۰۰۰، در نواحی و اطراف کشورهای آسیای مرکزی، بویژه در ازبکستان و قرغیزستان، فعالیت های تشدد طلبی، بیش از هر زمان دیگر شدت اختیار نمود. همه ی این عوامل و فاکتورها بیش از سایر موارد دیگر به ارتقای نقش پاکستان در آسیای مرکزی موثر واقع گردید.

در شرایط و اوضاع و احوال کنونی در مناطق سرحدی پاکستان کمپ های مهاجران و درعین حال مراکز تشدد طلبان بنیادگرا نیز بمشاهده می رسد. بنظرمی رسد که تنها و تنها نظامیان پاکستانی بر آنها تسلط داشته و در بود و نبود کمپ های یادشده، حرف اول را جنرال های پاکستانی می زنند. علاوه برآن، پاکستان تمایل دارد در هر مذاکره و گردهمایی که راجع به اوضاع منطقه می باشد، شرکت ورزیده و در هر نوع گفتگو و ملاقاتی که راجع به آینده افغانستان در آن تصمیم گیری بعمل می آید، نقش میانجی مرکزی را ایفا نماید. حاکمان آن کشور این مسأله را به اثبات رسانیده اند که آنها به بزرگترین پیمانان ای از ظرفیت به بن بست کشیدن مذاکراتی را که خود در آن شرکت نداشته باشند، برخوردارند. همیشه، زمانی که مسأله مذاکره و گفتگو میان نمایندگان دولت افغانستان و "طالب"ها مطرح بحث قرار می گیرد، این نظامیان حاکم در پاکستان اند که موانعی در این مسیر ایجاد و تدویر مذاکرات را با مشکلاتی مواجه نموده اند. هر زمانی که مذاکرات و گفتگوهای دولت افغانستان با مخالفان مسلح به بست مواجه می گردد، نقش خرابکارانه سازمان استخبارات پاکستان و موضعگیری های خصمانه حاکمان نظامی و ملکی آن کشور در ایجاد چنین درد سری بیش از پیش و درشت تر به ملاحظه می رسد. بطورمثال زمانی که مسأله مذاکرات صلح در کشور میان دولت افغانستان و مخالفان مسلح مطرح بحث می گردد، استخبارات پاکستان، مهره های تأثیر گذاری از رهبری مخالفان مسلح را که در صدد شرکت در مذاکرات می باشند، دستگیر نموده و زندانی می سازد تا از تدویر چنین مذاکرات جلوگیری نموده باشند. از وضعیت کنونی چنین برمی آید که تا زمانی که در مذاکرات احتمالی میان دولت افغانستان و "طالب"ها از تقویض میانجی مرکزی به پاکستان انصراف ورزیده شود، به آینده مذاکرات نمی توان امیدوار بود.

قابل یادآوری می باشد که طبق برداشت رهبری نظامی - سیاسی پاکستان، افغانستان بمثابة حوزه نفوذ آنها محسوب می گردد. پاکستان، حیثیت "منطقه عقبی" را برای کشور ما قایل گردیده و با استفاده از کلیه وسایل و امکانات دست داشته در صدد آن است تا به حفظ چنین وضعیتی تداوم بخشد. نخبگان نظامی آن کشور، افغانستان را بمثابة یکی از جمله منابع ستراتیژیک آن کشور معرفی می نمایند. اما متذکر باید گردید که نظامیان پاکستانی در مجموعه کشور ما، فضای سیاسی بمنظور ایجاد تشکیلات تروریستی غیر دولتی که بازتاب دهنده منافع پاکستان باشد، بدست خواهند آورد. در کنار همه و مهمتر از سایر مسایل، پاکستان در صدد آن می باشد تا از کشور ما در امر مبارزه با هند بمثابة عمق ستراتیژیک نظامیان پنجابی بهره برداری نماید، زیرا در صورت موجودیت حاکمیت وفادار به اسلام آباد در کابل، اراضی سرزمین کشور ما مبدل به محل و فضای مناسبی بمنظور انجام مانور و ایجاد گروه بندی ها در صورت برخورد نظامی پاکستان با هند خواهد گردید. بنأء، کشور عزیز ما افغانستان برای دولت داران پاکستان، در صورت رویارویی سنگین نظامی پاکستان و هند، از اهمیت ستراتیژیک و فوق العاده مهمی برخوردار می باشد.

درگام بعدی، پاکستان به استقرار رژیم وفادار به هند در افغانستان مخالفت جدی ورزیده و موانع بیشماری در این مسیر ایجاد می نماید، نظامیان پاکستان و رهبران سیاسی آن کشور چنین می پندارند که با پایه گیری چنین حاکمیتی در افغانستان، پاکستان در محاصره کلی دشمنانش قرار خواهد گرفت. بنأء، پاکستان در این مسیر به اقدامات قبلی و پیشگیرانه ای متوسل و بصورت قطع مانع تأثیرگذاری و موثریت هند در افغانستان می گردد. همزمان با آن، به دلیل اینکه پاکستان بمثابة کل، در نزدیکی به منطقه بی ثباتی موقعیت دارد، آرزومندی خویش را بمنظور استقرار صلح و امنیت در افغانستان ابراز داشته است، از جانب دیگر، پاکستان گویا خواستار وحدت و یگانگی در حاکمیت سیاسی کشور ما می باشد، چه، عکس مسأله، بر دولت پاکستان نیز تأثیرات منفی بجا گذاشته و از جهتی هم اسلام آباد قبل از ایجاد "پنتونستان بزرگ"، و تأثیرات "مشکل پنتون" بر نظام سیاسی پاکستان بمثابة "زخم دیرین"، علاقمند موجودیت حاکمیت مرکزی ضعیف و ناتوانی در افغانستان بوده و در صدد آن می باشد تا کشور عزیز ما را به کشور محتاج به همسایه اش (پاکستان) مبدل نماید.

پاکستان در اینمورد قبل از همه چنین می اندیشد که موجودیت حکومت و یا حاکمیت سیاسی ائتلافی در افغانستان از رهگذر بسیاری از مسایل بنفع پاکستانی ها می باشد، چه موجودیت چنین وضعیتی، سبب ساز تضعیف دولت مرکزی خواهد گردید. پاکستان فراموش می نماید که وضعیت کنونی (استقرار نسبی) در کشور ما بیش از هر زمان به نفعش می باشد. موضعگیری حاکمان پاکستان در حال حاضر از هیچ رهگذری بنفع صلح و ثبات در منطقه نبوده و احتمالاً در آینده ها نیز از تداوم چنین سیاستی انصراف نخواهند ورزید. بخاطر باید داشت که اگر مناسبات حسن همجواری و همکاری های دوجانبه و دوستانه میان دولت های افغانستان و پاکستان تقویه نگردیده و پاکستان باز هم بر طبل مداخله در امور داخلی کشور ما بکوبد، وضعیت داخلی پاکستان نیز بیشتر از پیش دستخوش آشوب و دگرگونی خواهد گردید.

اخیراً پاکستان به سران گروه "طالب" ها هشدار داده است که اگر در گفتگوهای صلح با حکومت افغانستان از اسلام آباد مشوره نگیرند، با خانواده های شان از پاکستان بیرون رانده خواهند شد. تماس های پنهانی شماری از چهره های ارشد "طالب" ها با حکومت افغانستان بر سر رسیدن صلح و ادامه رأی زنی ها برای این روند اسلام آباد را به گونه کم پیشینه ای به خشم آورده است.

چنین اظهار نظر می گردد که "پاکستان از "طالب" ها و مخالفان مسلح افغانستان می خواهد بمثابة ابزاری برای بیرون شدنش از حاشیه استفاده کند." کشته شدن رهبر "طالب" ها در خاک پاکستان نشان داد که گروه نامبرده پناهگاه های امنی در آن کشور دارند و حتی برخی از مقام های پاکستانی اعتراف کرده اند که شمار زیادی از زخمی های "طالب" ها در پاکستان مداوا شده اند. این سلسله همچنان ادامه دارد.